

۱۱۵۷۳۳۱



داستان‌های مثنوی

(به زبان نثر)

دفتر نشر

www.ketab.ir

داود جمشیدی‌نیا

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
زندگی نامه مولانا.....	۹
داستان های مثنوی به زبان نثر: دفتر ششم.....	۱۳
حکایت غلام هندی که پنهانی عاشق دختر ارباب شده بود.....	۱۳
قصه مرد شبگرد و دزد.....	۱۶
حکایت شخصی که دزدان قوچ او را دزدیدند.....	۱۶
حکایت دزدانی که تمام اموال روستایی را دزدیدند.....	۱۷
حکایت نگهبانی که سکوت کرد تا دزدان همه اموال کاروان را ببرند.....	۱۹
حکایت گنجشک و صیادی که خود را به شکل زاهد درآورده بود.....	۲۰
حکایت آن عاشق که معشوق او وعده دیدار داد ولی خوابش برد.....	۲۲
وارد شدن نابینایی به خانه حضرت محمد (ص) و گریستن عایشه از آن نابینا.....	۲۴
داستان عاشورا و آن شاعر.....	۲۵
داستان مردی که نیمه شب مشغول طبل زدن بود.....	۲۶
قصه بلال و حضرت محمد (ص).....	۲۸
قصه هلال و حضرت محمد (ص).....	۳۰
داستان پیرزن زشتی که صورتش را آرایش می کرد.....	۳۱
حکایت آن درویش که هر چه غذا از او می خواست می گفت نیست.....	۳۳
خیاط حقه باز و مرده ساده لوح.....	۳۶
قصه فقیر و نقشه گنج.....	۳۸
ابوالحسن خرقانی و زیارت یکی از مریدانش.....	۴۱
قصه همسفری مسلمان، یهودی و مسیحی با هم.....	۴۳
داستان پادشاه شهر ترمذ و دلکاو.....	۴۵
دوستی موش و قورباغه.....	۴۸
داستان سلطان محمود و دزدان.....	۵۰
قصه مرد درویش و مُحْتَسِب.....	۵۳
شیفته شدن خوارزمشاه به اسب یکی از فرماندهان خود.....	۵۶

فهرست مطالب

- ۵۸..... وصیت پادشاه به سه فرزندش
- ۶۶..... حکایت صدر جهان بخارا و گدایان
- ۶۸..... حکایت دو برادر که یکی کوسه بود و دیگری بی‌ریش
- ۷۱..... حکایت مردی که در خواب، گنجی را دیده بود
- ۷۵..... حکایت قاضی و زن جوحی

www.ketab.ir

مقدمه

مردم جامعه کنونی ما به دلیل مشغله‌های فراوان متأسفانه از دریای حکمت و ادب فارسی که در دنیا زبان زد نخبگان سایر ملل می‌باشد دور افتاده‌اند. افرادی هم‌چون گوته آلمانی یا آنه‌ماری شیمل و یا مرحوم نیکلسون و صدها نفر از عالمای داخل و خارج که هر یک در مدح ادبای شعر فارسی، کتاب‌ها نگاشته‌اند مرا بر آن داشت با توجه به وسع و دانش اندک خود به قصد ترویج فرهنگ اصیل انسان‌ساز ایرانی و اسلامی و انجام تکلیف و نه به‌عنوان خودنمایی جسارتاً قدمی هرچند کوچک در مقایسه با کارهای ژرف و اقیانوس‌وار فضایی این علم بردارم. پس از مدتی تأمل در این موضوع دیدم عاملی که باعث جدا افتادن مردم از این وادی شده است، اول مشغله‌های روزمره آن‌ها و دیگر سنگین بودن زبان شعر کهنه ادبیات کهن ما و سختی درک آن برای عامه است که باعث خسته شدن و دوری آنان شده است. لذا به دلیل ارادت خاص به مثنوی مولوی تصمیم گرفتم اشعار مثنوی شریف حضرت مولانا را که تماماً نغایافته از فرهنگ اصیل اسلامی و منبعث از اخلاق و عرفان می‌باشد را به‌زبانی ساده و شیوا و داستان‌وار و به‌صورت چکیده درآورده تا باعث جذب اقشار جامعه به‌خصوص نوجوانان عزیز گردیده و از این دریای حکمت متنعم شوند، ضمن این‌که در وهله اول قدمی در ارتقای سطح روحی و فکری خود برداشته باشم. مردم تصور می‌کنند که رابطه ما با مثنوی رابطه‌ای است خشک و بی‌محتوا، رابطه‌ای در سطح الفاظ و ادبیات، حال آن‌که مثنوی پیامی بس عمیق در خود نهفته دارد، پیام مثنوی هشدار است به انسان، فریادی است برای بیداری و خروج از حصار نقش‌های ساخته ذهن او، مثنوی ما را با شرح رنج‌های خویش در یأس و نومیدی رها نمی‌کند، با صدها اشاره، داستان و تمثیل نوید می‌دهد که می‌توان ترک غربت کرد و به نیستان اصیل خویش بازگشت، داستان‌هایی که در آن هزار نکته اخلاقی، اجتماعی و... وجود دارد که می‌توان با خواندن و درک درست از آن در ارتقای کمالات انسانی قدم‌های بزرگی برداشت. با این وصف کار خود را به حول و قوه الهی و بهره‌گیری

از تفاسیر و شرح‌های مثنوی موجود و استفاده از ارشادات استاد گرانقدرم دکتر شمس‌الدین ربیعی که خداوند طول عمر و سلامتی به ایشان عنایت فرماید از دفتر اول مثنوی مولوی شروع نمودم، ولیکن از داستان اول که همان سر نی یا نی‌نامه معروف است به دلیل داستانی نبودن موضوع و این که می‌باید حق مطلب را به‌طور احسن و اکمل ادا نمایم صرف‌نظر کرده و از داستان دوم که داستان عاشق شدن کنیزک و پادشاه است شروع نمودم. باشد که مرضی درگاه خداوند متعال قرار گیرد.

داود جمشیدی‌نیا

www.ketab.ir